

به خاطر ماندگار و نجیب انسان‌های شریفی که گل‌های سرخ وجودشان

در تابستان خونین ۶۷ پرپر چنگال دیوسیرتان پلید شد

بیاد جانباختگان فاجعه ملی

رتگین کمان در زمهریر



از یاد من نرفته نگاهش
از خاطر من نرفته صدایش
پروانه لطیف و سبکیا یاد او
در باغ سبز خاطره ام نرم می‌برد
با شور مرا ، تا اوج قله رنگین کمان نور
تا دور دور
همراه می‌برد
چشمان عاشقش
(همچون دو افتر روشن در اوج آسمان)
ره می‌نمایم تا ارغوان عشق
تا مهر چاودان
در غربت غروب
در بی ستاره شور شب و روز بی فروز
در زمهریر گیوید نشاط سوز
در هست یا که نیست ،
در بود یا نبود ،
در اوج یا فرود ،
در دیر یا که زود
از یاد من نرفته نگاهش
از خاطر من نرفته صدایش
خسرو باقزیور

● شهریور، ماه ظلم، ماه اشک! ماه قتل عام آزادی!

● به یاد عزیزان

● این درد همیشه در دل‌ها خواهد ماند

● باز هم در میهنم آن تابستان گرم و خونین فرا می‌رسد

● قتل عام ۶۷ بزرگترین حلقه قتل‌های زنجیرهای

در صفحات ۴ و ۵

گزارش اجلاس شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره فرایند اصلاحات

پس از انتخابات مجلس

در صفحه ۳

در این شماره

گزارشی از مسائل و مشکلات کارگران

عزیزه شاهمرادی

صفحه ۶

در ماندگی ولایت فقیه در برابر آرای ملت را

با فرمان خودگامه نمی‌توان نجات داد

مجید عبدالرحیم‌پور

صفحه ۸

لیبرالیسم نو و تئوری مبادله آزاد

ب. کیوان

صفحه ۹

بسرزانی داشته است. او دست در دست سرکوبگران گذاشته است و با زبان آنها با مردم صحبت می‌کند. تاکید رفسنجانی بر این است که امروز باید در مقابل اصلاحات ایستاد و گرنه فردا دیر خواهد شد و اصلاحات بساط آنها را بر خواهد چید. رفسنجانی هر بار که چنین سخن گفته است، به دنبال آن اقدام سازمان‌یافته‌ای علیه اصلاحات صورت گرفته است. اکنون باید دید که با برگزاری اجلاس مجلس خبرگان و سخنان رفسنجانی، چه توطئه جدیدی علیه اصلاحات تدارک دیده شده است.

فاجعه خرم‌آباد را چهره‌های آشنای محافظه‌کاران آفریدند

● اردوی دفتر تحکیم وحدت نیمه کاره خامنه یافت

● آرامش فعال در سایه حضور مردم در صحنه سیاسی کشور امکان‌پذیر است

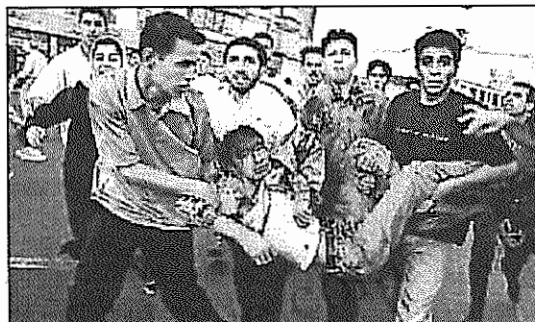
اصلاح‌طلبی است و کشمکش بر سر محل برگزاری اردو، بهانه‌ای است برای سرکوب جنبش دانشجویی و تکرار فاجعه کوی دانشگاه. روزهای شنبه ۵ و یکشنبه ۶ شهریور در حالی که اردوی دفتر تحکیم وحدت بر اثر یورش گروه‌های اراغاب برهم خورده بود و عده‌ای از دانشجویان در اعتراض به سیاست رهبری دفتر تحکیم وحدت محل سخنرانی را ترک کرده بودند، درگیری‌ها به آتش خود رسید و به برخورد مسلحانه ادامه در صفحه ۲

سروش و کدیور به عنوان سخنرانان گردهمایی، مخالف بودند. پیامدهای درگیری، اقدامات سپاه و نیروهای انتظامی، نوشته‌های کیهان، رسالت و سایر رسانه‌های محافظه‌کاران، اظهارات چهره‌های جناح راست؛ نشان دادند که حادثه خرم‌آباد ادامه توطئه‌های زنجیره‌ای محافظه‌کاران علیه جنبش

گرم و سرد از قرارگاه‌های سپاه پاسداران و نیروی انتظامی خارج شوند و به تمامیت گرایان نشان دهند که پیام رمز آغاز سرکوب همه‌جانبه را از خطبه‌های «آیت‌الله» دریافت کرده‌اند.

ماجرای خونین خرم‌آباد با کشمکش بر سر برگزاری اردوی سالیانه دفتر تحکیم وحدت در این شهر آغاز شد. محافظه‌کاران با برگزاری اردو، اجتماع دانشجویان در خرم‌آباد و دعوت

وقتی که دو هفته پیش آیت‌الله یزدی، عضو فقهای شورای نگهبان در خطبه‌های نماز جمعه تهران از پشت تریبون با لحن تند و برآشفته به تهدید اصلاح‌طلبان پرداخت و فریاد زد: «بالآخره به هم می‌رسیم»، کسی نمی‌دانست در این سخن پیر آشنای جنبه تمامیت‌گرایان چه آتشی نهفته است و آیت‌الله از زمان و مکان «دیدار» قریب‌الوقوع خبر دارد و چند ساعتی بیشتر لازم نبود که گروه‌های اراغاب با سلاح‌های



زمینه‌سازی رفسنجانی

برای تهاجم جدید به اصلاحات

او در دو هفته قبل نیز جنبش اصلاح‌طلبانه کشور را «حرکت براندازانه» خواند و در خطبه چهارم مجلس خبرگان را بسیار مهم تلقی کرد و گفت: «در اجلاس خبرگان همه با تمام وجودشان احساس کردند که دشمنان اسلامیت، نظام را هدف گرفته‌اند.» و اضافه نمود که مجموعه شواهد خبرگان ملت را واقعاً نگران کرد.

رفسنجانی علاوه بر بیان نگرانی مجلس خبرگان، موضع خود را در مورد وضعیت سیاسی کشور اعلام نمود و گفت: «در شرایطی قرار گرفتیم که با تعارف نمی‌شود بگذاریم مسائل این‌گونه جریان داشته باشد. باید همه با اتحاد و همدلی همچون سالهای نخستین انقلاب به گونه‌ای حرکت کنیم که صدای بوق و کرنا را که دشمن به راه اندخته، خفه کنیم.»

سرخان رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران بعد از اجلاس اخیر مجلس خبرگان، قابل تأمل است. او اجلاس چهارم مجلس خبرگان را بسیار مهم تلقی کرد و گفت: «در اجلاس خبرگان همه با تمام وجودشان احساس کردند که دشمنان اسلامیت، نظام را هدف گرفته‌اند.» و اضافه نمود که مجموعه شواهد خبرگان ملت را واقعاً نگران کرد.

رفسنجانی علاوه بر بیان نگرانی مجلس خبرگان، موضع خود را در مورد وضعیت سیاسی کشور اعلام نمود و گفت: «در شرایطی قرار گرفتیم که با تعارف نمی‌شود بگذاریم مسائل این‌گونه جریان داشته باشد. باید همه با اتحاد و همدلی همچون سالهای نخستین انقلاب به گونه‌ای حرکت کنیم که صدای بوق و کرنا را که دشمن به راه اندخته، خفه کنیم.»

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حمله و حشیانه حزب‌الهی‌ها به دانشجویان در خرم‌آباد را محکوم می‌کنیم!

در صفحه ۲

جنبش دانشجویان در مرکز حملات مخالفین اصلاحات

فاجعه آفرینان در تیر ماه سال قبل تظاهرات مسالمت‌آمیز دانشجویان در تهران و تبریز را، و امسال نشست قانونی دانشجویان در خرم‌آباد را به خون کشیدند. در هر دو رویداد فاجعه‌بار، خشونت‌طلبان و تمامیت‌گرایان یک هدف را دنبال می‌کردند: خاموش کردن صدای اعتراض دانشجویان و خفه کردن جنبش دانشجویی. آنها مرگ خود را در حیات جنبش دانشجویی می‌بینند. جنبش دانشجویی پشتیبان جنبش اصلاحات و نیروی پیش‌برنده آن است. خشونت‌طلبان و تمامیت‌گرایان بر نقش و موقعیت جنبش دانشجویی در فرآیند اصلاحات آگاهی دارند. آنها بعد از تعطیلی مطبوعات و دستگیری روزنامه‌نگاران افشاگر، جنبش دانشجویی را در مرکز حملات سازمان یافته خود قرار داده‌اند.

رویداد خرم‌آباد همانند کوی دانشگاه تهران، کار سازمان یافته و تدارک دیده‌شده سرکردگان جناح مخالف اصلاحات سیاسی در کشور است. حزب‌الهی‌ها و لباس شخصی‌ها، پیاده‌نظام آنها هستند. این بار آنها پیاده‌نظام خود را سریعاً به خرم‌آباد انتقال دادند و اطلاعات لازم را در اختیار آنها گذاشتند که از حضور سروش و کدیور در خرم‌آباد و در جمع دانشجویان ممانعت به عمل آورند و مانع ادامه گردهمایی دانشجویان گردند.

مخالفین اصلاحات بر این تصورند که اگر به دنبال تعطیلی روزنامه‌ها و دستگیری روزنامه‌نگاران، بتوانند جنبش دانشجویی را خفه کنند، دیگر راه اصلاحات سیاسی مسدود خواهد شد و شرایط برای بازگشت به دوره قبل از دوم خرداد فراهم خواهد آمد. اما تجربه دو رژیم نشان داده است که جنبش دانشجویی از حرکت باز نمی‌ایستد و به خاموشی نمی‌گراید. تاکنون سرکوب حکومت‌ها قادر نشده است که قلب پنبه جنبش آزادبخواهانه کشور را از طیش باز دارند. روزنامه‌ها را می‌توان با یک قلم و با یک حکم و یا به دستور ولی فقیه تعطیل کرد، می‌توان روزنامه‌نگاران را هر روز به بیدارگاه‌ها کشاند و برای آنها حبس‌های سنگین صادر کرد، می‌توان کانال ارتباطی اصلاح‌طلبان با مردم را قطع کرد و یک‌جانبه علیه اصلاحات در رسانه‌های همگانی تبلیغ نمود، ولی تاریخ جنبش دانشجویی ایران به یاد ندارد که حکومت‌گران با سرکوب توانسته باشند وجدان آگاه جامعه را خاموش سازند.

به تجربه مشاهده شده است جنبش دانشجویی تنها زمانی که به زانده حکومت یا جناحی از آن تبدیل شده باشد، سرزندگی و حیات پویانده خود را از دست می‌دهد و از نقش پیشگامی باز می‌ماند.

اما این واقعیت را نباید کتمان کرد که جنبش دانشجویی در شرایط کنونی با مشکلات فراوانی روبرو است. از یک سو گرایش‌های مختلف فکری - سیاسی در دانشگاه‌ها فاقه تشکل هستند و از سوی دیگر دفتر تحکیم وحدت که با سابقه‌ترین و بزرگ‌ترین تشکل موجود در سطح دانشگاه‌های کشور است، مستقلاً سیاست و استراتژی اتخاذ نمی‌کند و در مواردی از جناح اصلاح‌طلب دنباله‌روی می‌کند.

استقلال جنبش دانشجویی در پویایی و پیشرو بودن آن نقش موثر و تعیین کننده دارد. اگر جنبش دانشجویی استقلال خود را حفظ کند و شرایط مساعدی برای شکل‌گیری تشکل‌های مستقل دانشجویی با گرایش‌های مختلف فکری - سیاسی فراهم آورد، قادر خواهد بود در مقابل سرکوب مخالفین اصلاحات بایستد و به حیات خود ادامه دهد و نقش بسزایی در فرآیند اصلاحات سیاسی در کشور ایفا کند.

موقعیت حقوقی احزاب مخالف

باید به رسمیت شناخته شود

افکار عمومی انتظار دارد که نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس تعریف حقوقی تازه‌ای از مواد «قانون احزاب» به جامعه ارائه دهند و به تبع آن تحولی دمکراتیک در راه فعالیت احزاب و سازمان‌های دمکرات و مسالمت‌جو بوجود آید. بیش از دو دهه است که در کشور ما، موقعیت حقوقی،

چندی پیش وزارت کشور اعلام داشت که از سوی دولت لایحه «قانون احزاب» در دست تهیه است و به زودی به مجلس شورا ارائه خواهد شد. با ارائه این لایحه نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس شورا که خواستار حضور احزاب با هدف برقرار توسعه سیاسی هستند، در مقابل یک آزمون قرار خواهند گرفت.

چندی پیش وزارت کشور اعلام داشت که از سوی دولت لایحه «قانون احزاب» در دست تهیه است و به زودی به مجلس شورا ارائه خواهد شد. با ارائه این لایحه نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس شورا که خواستار حضور احزاب با هدف برقرار توسعه سیاسی هستند، در مقابل یک آزمون قرار خواهند گرفت.

عباس عبدی:

ما نمی خواهیم درگیر شویم

ادامه از صفحه ۴

فایده و سرانجام ندارد. ما تا جانی که می توانیم باید به سیاستمان ادامه دهیم و اگر کسی می خواهد این سیاست را نقد کند، باید سیاست بدیش را عرضه کند. وی تصریح کرد: سیاست آرامش این است که ما نمی خواهیم درگیر شویم. این از ضعف و ترس نیست. با وجود تمام فشارهایی که بر جبهه دوم خرداد وارد می شود، کسی در این جبهه دیده نمی شود که جا زده باشد اما در جبهه مقابل از این دست به وفور سراغ داریم. عبدی با تاکید بر این مسأله که هیچ گاه در طول ۲۳ سال گذشته به اندازه این چند ماه نگران سرنوشت مملکت نبوده است، گفت: یکی از نگرانی های من در باره تجزیه ایران است. ایران کشور بزرگی است که بویژه در مرزهایش، قبایل، مذاهب و زبان های مختلفی وجود دارد. البته دو شرط وجود دارد تا حکومتی تجزیه شود. یکی اثر قدرت قوی مرکزی است که اجازه تجزیه را ندهد، دیگری نگرش احتمالی اجزای تجزیه به قدرت مرکزی است. شوروی، زمانی تجزیه شد که همزمان، حکومت مرکزی اش ضعیف شد و از همه مهمتر گرایش به قدرت مرکزی اش از بین رفت.

عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ادامه داد: اگر دوم خرداد را با شکست مواجه کنند و آن را متوقف کنند، قدرت مرکزی ایران تضعیف می شود و از آن مهمتر، این نگرش و مشروعیتی که وجود دارد از بین می رود و این زمینه را برای تجزیه فراهم می کند. وی همچنین در پاسخ به پرسشی در خصوص تسخیر سفارت آمریکا، گفت: پاسخ به این سؤال از سوی کسی که در این واقعه بوده، معلوم نیست. چقدر شما را مجاب کنند، به همین دلیل ترجیح می دهم این قضیه به تاریخ ببینند تا در باره آن بتوان اظهار نظر کرد، چرا که وقتی وقایع گذشته به تاریخ پیوست، افراد فارغ از این که کار خوب یا بد بوده، می توانند اظهار نظر کنند.

عبدی در باره این که آیا در این ماجرا دستی پشت پرده بوده، افزود: بحث پشت پرده بودن کسی در این ماجرا را نمی توان رد کرد، کسی که این را می گوید باید آن را ثابت کند.

یا بهداشت عمومی بیگانه اند.

بر این اساس، دستگاه دآوری سازمان جهانی تجارت فقط اصول حاکم بر فعالیت تجارت جهانی را مد نظر دارد. چنانکه مساعدترین ماده مربوط به ملت، برابری رفتار نسبت به فرآورده های مشابه را که از کشورهای مختلف عضو وارد می شود، خواستار است. بنابراین، سازمان تجارت جهانی در مسئله واردات موز سیاست خارجی دیگری را برای اتحادیه اروپا به رسمیت نمی شناسد. برای این سازمان موز، موز است اعم از اینکه از اکوادور باشد یا از مستعمره های سابق اروپا که به کشورهای ACP (آفریقا، کارائیب و پاسیفیک) موسوم اند. در واقع این یک تعرض آشکار به قرارداد لومه (قرارداد اروپا به این کشورها) است.

ماده رفتار ملی هر نوع تبعیض نسبت به محل فرآورده ها با ریشه خارجی را به ویژه بنا به شرایط تولید بشری یا محیط زیستی شان منع می کند. به عبارت دیگر، به هیچ وجه نباید «روندها و روش های تولید» (PMP) را در نظر گرفت. تنها کالاها ساخته شده توسط زندانیان از این قاعده بیرون هستند. البته، نباید به توسعه پایدار و حقوق بشر توسل جست و بر اساس آن شریکان تجاری را به علت عدم رعایت این اصلها جریمه و مجازات کرد. ماده «حذف محدودیت های کمی» سهمیه ها و امتناع از واردات و صادرات را منع می کند. چنین گرایش بسیاری از موافقت های چندجانبه در باره محیط زیست (AME) و قراردادهای اجتماعی را بی اعتبار می سازد.

ادامه دارد

با یوزش از نویسنده و خوانندگان این مقاله، مناسفانه در قسمت نخست اشتباهی در درج تیر اصلی رخ داد و سوتیر اول آن بجای تیر اصلی چاپ شد.

باز در میهنم آن قایستان گرم و خونین فرامی رسد

بخشی از رمان جدید خود را که به زبان هلندی نوشته شده است برای حاضرین خواند. بخش خوانده شده مربوط به خاطرات نویسنده در ۱۷ سالگی است که به زندان شاه افتاده بود و موضوع احساسات جنسی از این منظر که چگونه یک نوجوان دوران بلوغ خود را در زندان بسر می آورد، در آن اهمیت فراوانی پیدا می کند.

آخرین سخنران برنامه آقای بهزاد کریمی بود که متن سخنرانی اش در همین شماره آمده است. پایان بخش برنامه ها اجرای نمایش زندگی، آذ زندگی نوشته آقای منوچهر رادین بود. نمایش مذکور، واقعه اعدام سعید سلطانپور را به فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ پیوند می دهد و در آن از شعرهای سلطانپور و آقای رادین توأمان استفاده شده است. نمایش با این شعر که توسط خانم شهرزاد نیکبین خوانده می شد، آغاز گشت: «شخم بهاره ما / اسمال / نه با خیش بود / نه با دست / شخم بهاره ما / اسمال با سرنیزه بود» و اندکی بعد به این شعر نویسنده پیوند داده شد: «باز آن ماه تیر / تیر باران».

طرح تعدیل اقتصادی موجب بیکاری های دسته جمعی و وسیعی در دهه هفتاد شد. هر چند که این قانون زدهائی ها با مقاومت و اعتراضات شدید کارگران مواجه شد. از جمله اعتراض به پیشنهاداتی در شهریور ۷۷، مبنی بر معافیت کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار. اما این سیاست به اشکال دیگر ادامه یافته است. چرا که برای حمایت و جذب سرمایه گذاری در بخش صنعت و تولید توسط سرمایه های داخلی و خارجی نیاز به قانون زدائی و تصویب قوانینی جدید بود تا صاحبان سرمایه اطمینان داشته باشند که می توانند آزادانه و بدون مزاحمت مطابق میلشان واحدهای تولیدی را اداره کنند. پس بایستی قوانین حمایتی از حقوق کارگران هر چه بیشتر کاهش یافته و در صورت امکان به طور کامل زده شده شود.

یکی دیگر از کارگران چنین می گوید: «واگذاری شرکت ها به نهادها و بخش خصوصی از جانب دولت سیاست نادرستی است الان شرکت را به... داده اند که ما به آن اعتراض داریم. کارگران با تخصص بالا در این واحد کمترین حقوق را یعنی ۵ هزار تومان می گیرند؛ به علت سوء مدیریت. چون در شرکت های مجاور ما این چنین نیست. مدیرهای نالایق ۵ الی ۶ میلیارد تومان در عرض یک سال حق کارگر را خوردند. نیروی کار در دست کارگر است. ما می خواهیم مدیریت به کارگران واگذار شود مثل ژاپن، مثلا یکی از سیاست های جدید، استخدام بیمانی کارگر است. برای برده کردن و استثمار بلاشک؛ یعنی استثمار جدید. هیچ مزایایی به آن ها تعلق نمی گیرد در زمانی که کارگران در خیابان ها بیکارند، این شکل استخدام، حقه تازه کارفرماهاست» و دیگری با تأیید صحبت هایش می گوید: «درست است. الان در لیبیات پاسنوریزه - نصف کارگران، پیمانانی و موقت هستند. صد کارگر موقت که هیچ چیز به آنها تعلق نمی گیرد. این اشکال استخدام باید منوع شود».

بر گرفته است. بر همه فعالین سیاسی مسئول، واجب و ضروری است که کماکان در جهت تقویت جبهه اصلاحات گام بردارند ضمن روشن کردن تزلزل های برخی نیروهای سیاسی برای مردم، تلاش نمایند میزان اختلافات را کاهش دهند زیرا بدون یک جبهه قدرتمند اصلاحات امکان مقابله با محافظه کاران و جلوگیری از اقدامات تخریبی آنان وجود ندارد.

به همین روال باید کوشش نمود راه های ورود نیروهای بیشتری را به داخل جبهه اصلاحات هموار نمود.

آقای خامنه ای طی چند سال گذشته در اکثر موارد به طور غیرمستقیم در مقابل اصلاحات حرکت نموده و ارگان های انتصابی ایشان نظیر شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیما ج - ا، دادگاه ویژه روحانیت، قوه قضائیه... به طور مستقیم بیشترین حملات و دشواری ها را برای مردم فراهم نموده اند و نام اخیر وی نیز اوج ضدیت با روند اصلاحات بود. با همه این تفاسیر اصلاح طلبان باید موضع سیاسی آقای خامنه ای را صد در صد در جبهه محافظه کاران تلقی نمایند، بلکه از رشته های پاریک به جانمانده در جهت کشاندن وی به سوی جبهه اصلاحات و یا حداقل دورکردن از محافظه کاران تلاش نمایند.

جمع شده بودند تا نشان از لحظه شوم کشتار، خون و جسد بدهند. «دادگاه رژیم اسلامی اطاق کوچکی در اوین بود که پنجره های آن را با پتوهای سیاه پوشانده بودند و در آن حاکم شرع از قربانیان سؤالات زیر را می کرد: «مسلمان هستی یا نه؟ نماز می خوانی یا نه؟ آیا جمهوری اسلامی را قبول داری، آیا مجاهدین را قبول داری، حاضری به جبهه پرسی، حاضری به دوست تیر خلاص بزنی. آنگاه پاسداران به زن توبایی که حاضر نبود شوهرش را با گلوله اعدام کند، گفتند: دیدی که هنوز توبه نکردی! و زن پاسخ داد: «بسه خدا توبه کرده ام اما نمی توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد تعدادی از حضار آرام آرام اشک می ریختند.

سخنران بعدی آقای ناصر فاخته شاعر و نویسنده بودند. فاخته دو شعر از سروده های خود را که مربوط به همان زمان ها بود، خواند. یکی از شعرها تحت تأثیر خاطره لگدزدن پاسداران به سر دوست هم بندی که در اثر آن حافظه اش را از دست داده بود، سروده شده بود و شعر دیگر با خاطره دوست مجاهد اعدام شده اش که «شام آخر» نام داشت. فاخته همچنین

آدمکشی های جمعی در کامبوج و فجایع قبیله ای در ژنیر، جنایات سال ۶۷، سنگین ترین جنایت سیاسی در جهان به شمار می رود».

سخنران بعدی خانم ف. آزاد بود که خود از سال ۶۲ تا ۶۹ مدت ۷ سال را در سیاهچاله های جمهوری اسلامی بسر برده است و از نزدیک شاهد فجایع سال ۶۷ بوده است. ایشان در سخنان بسیار تأثیر انگیز خود گفتند: «در زندانهای جمهوری اسلامی، زندانیان را به دو دسته تقسیم می کردند. «محرابین با خدا» که مجازات های سنگینی آنها اعدام بود و «مرتدین» که مردان شان را می کشتند و زنان شان را به شلاق دائمی روزانه می بستند تا از کار خود اظهار پشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر» رهبر جمهوری اسلامی فرمان به قتل تعداد بیشماری از زندانیان عقیدتی داد که فجایع رضاشاهی از محمدرضاشاهی در پرتو آن به حاشیه رانده شدند. سخنران همچنین از خاطرات خود در روز ۴ مرداد ۶۷ سخن رانندند (روز اعلام پذیرش آتش بس در جنگ ایران عراق) که چگونه گروه گروه هم بندان او را برای اعدام می بردند، روزی که کلاغها روی سیم های برق

گزارشی از مسائل و مشکلات کارگران

ادامه از صفحه ۶

وی می گوید: «این مسئله ای را حل نمی کند. اول حرف های قشنگ می زند اما در عمل چیز دیگری از آب درمی آید. این شوراهای اصلی قدرت اجرایی ندارند. به همین دلیل فقط پیشنهاد دهنده هستند. نماینده کارفرماست که می تواند نظر بدهد یعنی در صورت موافقت کارفرما پیشنهاد به وزارت کار می رود و اگر مشخص دادند قانونی است، تأیید می کنند. راه حل این است که قدرت اجرایی داشته و مستقل عمل کنند».

یکی از کارگران زن بخشی خدمات بیمارستان ... می گوید: «چون عضو شورا بودم و دنبال حق و حقوق کارگران، دو سال اخراج شدم. الان این بیمارستان تحت پوشش ... است چند ماهی است که اتحادیه بیمارستان ها را برای رسیدگی به مشکلات خاص کارگران این واحد تشکیل داده ایم. البته زنان مشکلات خاصی دارند از قبیل مهد کودک، ساعت کار که برای زنان در قانون استخدام کشوری به طور نسیه وقت است که شامل کارگران زن نمی شود ما شعبه بانوان داریم».

کارگر دیگری در حالی که با صدائی بلند از پشت جمعیت می گوید مدیریت اداره کار باید عوض شود به جلو آمده و چنین ادامه می دهد: «مدیران باید تعویض شوند. مدیران باید از نمایندگان کارگران باشند. فقط نمایندگان خود کارگر باشند می توانند در اداره کار مسئول باشند یعنی کسانی که با درد کارگر آشنا هستند باید مسئول اداره باشند برای این که مسئله روشن شود. من یک مثال می زنم. در معادن ذغال سنگ رئیس اداره در جلسات، به کارفرما می گوید: طبق تبصره ۱۲ قانون کار کارگر می تواند برود جای دیگری کار کند، یعنی طرح خصوصی سازی اجرا شود. در صورتی که معادن

چه درس هایی...

ادامه از صفحه ۱۰

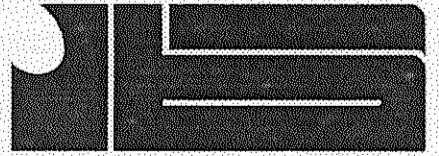
موقعیت محافظه کاران طی چند سال گذشته کاملا روشن است. آنها یکی از اصلی ترین راه دست یابی مجدد به تمام اهرم های قدرت را در بحرانی کردن فضای جامعه جستجو می کنند. برعکس اصلاح طلبان باید از حرکت های عکس العملی، شتابزده و بدون برنامه خودداری نمایند. بر این واقعیت باید تاکید کرد در صورتیکه روند اصلاحات موزون و با دقت پیش نرود، خطرات بسیاری به بار می آورد. از یک طرف عدم پاسخ دهی مناسب و به موقع به خواست های برخی مردم، می تواند سرخوردگی ها و ناامیدی هایی را در میان تمام اقشار جامعه بویژه جوانان بوجود آورد و زمینه اقدامات افراطی را افزایش دهد و این هر دو سی مهلک برای جامعه ما است.

از نیروهای افراطی درون رژیم و درون اپوزیسیون نمی توان انتظار برخورد های معقول را داشت زیرا آنان تاکنون همیشه آتش بیاران معرکه بودند. تنها باید آرزو کرد که روند پیشرفت اصلاحات و همینطور تلاش و مسئولیت اصلاح طلبان، این نیروهای سیاسی را بر سر عقل

بیاورد. در اینجا روی سخنم با برخی از دوستانی که به جنبش اصلاح طلبی پیوسته اند و هنوز جان و جودشان با اصلاحات آمیخته نیست، است. وقتی روند اصلاحات دچار مشکل می شود و یا تزلزل هایی در جبهه اصلاحات مشاهده می کنند به سرعت نسخه قدیمی شان را از جیب درمی آورند و مردم را به تظاهرات و تفرماتی دعوت می کنند به جای آنکه راهکارهای موثرتر و کم خطرتر حضور و مشارکت مردم را پیدا کنند. هیچ کس با تظاهرات، اعتراضات و تفرماتی عمومی مخالف نیست. تنها سؤال مجوری این است که هزینه ای را که برای به دست آوردن اهدافمان پرداخت می کنیم چه مقدار است. آیا یک تاکتیک را در همه مواقع می توان مورد استفاده قرار داد. در شرایط کنونی آرامتر کردن فضا و انتباهات سیاسی و عین حال پیگیرانه خواسته های مردم را دنبال نمودن به نفع جنبش اصلاحات است.

۵

یکی از مشخصات مهم دوران گذار، جابه جایی در میان نیروها و افراد سیاسی است. به عینه دیدیم که طی چند سال گذشته بسیاری از افراد و حتی جریانات سیاسی، تغییر موضع داده اند. این تغییرات بدون استثنا از چپ ترین تا راست ترین نیروها را البته با نسبتها و کم و کیف متفاوت در



چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۷۹ - ۶ سپتامبر ۲۰۰۰ دوره سوم - شماره ۲۴۰

KAR. No. 240 Wednesday 6. Sep. 2000
G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

آدرس کار در اینترنت:
آدرس پست الکترونیکی:
http://www.fadai.org
fadai.aksariyat@magnet.at

تک فروشی:
بهای اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v
آدرس: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 06 01 98
نام بانک: Stadtparkasse Köln
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام:
نشانی:
آدرس:

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس پست کنید!

در بازار نفت چه خبر است؟

محمدرضا قنبری



شرایطی که بهبود وضع اقتصاد جهانی، تقاضا برای نفت را افزایش داده است. بالا رفتن قیمت نفت به نفع ایران شده است. در این رابطه اما نباید از نظر دور داشت که اولاً بالا رفتن قیمت نفت در درازمدت به بالا رفتن قیمت تولیدات صنعتی کشورهای غربی می‌انجامد و لذا اثر افزایش قیمت نفت بر کشورهای تولیدکننده نفت را تا حد زیادی خنثی می‌کند و ثانیاً ایران در شرایط قبلی پائین بودن بهای نفت، مقدار متناهی از نفت صادراتی خود را پیش‌فروش کرده است. با تمام این اوصاف افزایش قیمت نفت توان مالی این کشور را هم در زمینه واردات و هم در زمینه بازپرداخت بدهی‌های خارجی افزایش قابل ملاحظه‌ای داده است و می‌توان گفت که ریاست جمهوری آقای خاتمی به طور ناخواسته با رونق اقتصادی ایران از نظر درآمدهای نفتی همراه شده است.

بالارفتن قیمت نفت از یک سو به افزایش تورم و از سوی دیگر به کساد اقتصاد بین‌المللی کمک می‌کند. این امر بویژه برای کشورهای اروپایی اهمیت دارد. چرا که در حال حاضر واحد پول اروپایی (یورو) در مقابل دلار بسیار ضعیف است در حالی که مبنای محاسبه در بازار نفت، دلار می‌باشد. به عبارت دیگر بحران انرژی در آستانه فصل سرما برای کشورهای صنعتی اروپا هم از جانب قیمت بالای نفت و هم از جانب دلار قوی، به وخامت گراییده است. جلسه آتی ۱۱ کشور اوپک قرار است در تاریخ ده سپتامبر در وین تشکیل شود. به نظر نمی‌رسد در این جلسه تصمیم مهمی برای تولید اضافی گرفته شود مگر در حد همان ۵۰۰ هزار بشکه که آن هم قادر نیست تنش در بازار نفت را خنثی نماید. در عین حال کارشناسان اوپک معتقدند که قیمت ۳۰ دلار برای هر بشکه نفت، مطابق با شرایط بازار نمی‌باشد، بویژه در

مطلوب اوپک تثبیت کند، ثانیاً همین مقدار مصوب نیز در عمل اجرا نشد. برخلاف سال‌های قبل که کشورهای اوپک به صورت غیر رسمی و غیرمجاز دست به تولید اضافه بر سهمیه می‌زدند، این بار حتی عربستان ۵۰۰ هزار بشکه اضافی مصوب خود را روانه بازار نکرده است. گرچه در این زمینه نوعی ابهام وجود دارد اما اکثر ناظران نفتی معتقدند که عربستان بیش از ۲۵۰ هزار بشکه اضافی به بازار تزریق نکرده است. عده‌ای معتقدند که عربستان به این دلیل از تمامی اضافه تولید مصوب خود استفاده نکرده است تا اتحاد درونی اوپک پایدار بماند. چرا که اضافه تولید باعث بالا رفتن پایه سهمیه‌ای این کشور شده و لذا سایر کشورهای عضو اوپک مایل به بهم‌خوردن پایه سهمیه‌بندی نیستند. اما به نظر می‌رسد سیاست نفتی عجیب عربستان، نه به اتحاد درونی اوپک، بلکه بیشتر به انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا مربوط باشد. افزایش قیمت نفت به افزایش تورم در آمریکا کمک کرده است و این می‌تواند نکته‌ای منفی در کارنامه سیاسی دیمکرات‌ها باشد. بنابراین بالا ماندن قیمت نفت در شرایط پیش از انتخابات آمریکا به نفع جمهوری خواهان است. و البته بعید هم نیست اگر عربستان تمایل بیشتری به جمهوری خواهان داشته باشد. از جانب دیگر، سیاست عربستان به طور سنتی نه تنها منافع خاص این کشور، بلکه منافع اقتصاد جهانی را نیز مد نظر دارد.

از حدی است که اوپک انتظار داشته، ثانیاً عوامل دیگری خارج از تصمیمات کشورهای صادرکننده نیز در این موضوع دخالت دارند. سالهای متمادی پائین بودن قیمت نفت باعث شد که اولاً بسیاری از میداین نفتی که استخراج از آنها گران تمام می‌شود و لذا در شرایط پائین بودن قیمت نفت، بهره‌برداری از آنها مقرون به صرفه نیست، بسته بمانند. ثانیاً کشورهای اوپک نخواهند و یا نتوانستند در صنایع نفت خود سرمایه‌گذاری کنند لذا بسیاری از کشورهای عضو اوپک اصولاً قادر نیستند بیش از حد فعلی تولید کنند. در واقع تنها سه کشور عربستان، امارات متحده و کویت هستند که هنوز ظرفیت تولیدی‌شان اشباع نشده است. بقیه کشورهای اوپک از جمله ایران، ظرفیت تولیدی اضافی ندارند. در چنین شرایطی، تصمیم اوپک برای ثابت نگه‌داشتن سقف تولید و یا افزایش ناچیز در آن، نه تنها یک تصمیم سیاسی - اقتصادی بلکه یک اجبار فنی نیز می‌باشد. آنچه در بالا تحت عنوان افزایش محدود در عرضه نفت مطرح گردید به این صورت بود که اوپک (در واقع عربستان) تصمیم گرفت برای مهار قیمت نفت و تثبیت آن در حد دلخواه اوپک یعنی ۲۵ دلار برای هر بشکه، به افزایش محدود تولید و صدور بپردازد. عربستان تصمیم گرفت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه اضافی صادر نسازد. مقدار افزایش تولید مصوب اوپک اولاً آنقدرها نبود که قیمت را در حد

قیمت فعلی نفت به قرار بشکدهای بالای ۳۰ دلار نسبت به ۱۸ ماه قبل سه برابر شده است. این امر اقتصاد جهان را خیره کرده است با این وجود برخی مؤسسات تحقیقاتی حتی از قیمت ۴۰ یا ۵۰ دلار برای هر بشکه نفت سخن می‌گویند. راستی، موضوع از چه قرار است؟ تقریباً همه در این نکته همدستان هستند که علت بالا رفتن قیمت نفت، کافی نبودن عرضه در مقابل تقاضاست. دو عامل خاص باعث افزایش تقاضا در حال حاضر است: یکی رونق مجدد اقتصادی در آسیای جنوب شرقی و دیگری نیاز کشورهای صنعتی مخصوصاً آمریکا به پرکردن ذخایر نفتی خود تا ماه اکتبر جهت تأمین انرژی برای زمستانی که در پیش است. آمار موجود نشان می‌دهد که مخازن نفتی آمریکا، نسبت به میزان معمول در این فصل، در سطح بسیار پائینی قرار دارد. این امر به نوعی فشار روانی در بازار نفت ایجاد کرده است. علت پائین بودن عرضه نفت در درجه اول تصمیمات و وضعیت کشورهای عضو اوپک است. حدود یک سال و نیم پیش در یک اقدام کم‌سابقه که ناشی از اتحاد عمل بین دو کشور اصلی اوپک یعنی عربستان و ایران بود، اوپک با کاهش عرضه نفت، قیمت را افزایش داد. گرچه کشورهای اوپک و نیز کشورهای خارج از اوپک که از اوپک در کاهش تولید و صدور حمایت نمودند، می‌خواستند و هنوز هم می‌خواهند که قیمت نفت در حد عادله باشد، اما بالا بودن قیمت نفت در حال حاضر اولاً بالاتر

نگاهی به جنبش کمونیستی در روسیه

تنظیم و برگردان: ع. بهار

در رابطه با همه مسایل از رئیس جمهور حمایت به عمل می‌آورد، حزب کمونیست‌های بلاروس (PKB) در رابطه با مسائلی که به امور داخلی کشور مربوط می‌گردد با رئیس جمهور لوکاشنکو در موضع اپوزیسیون قرار دارد. در روسیه هیچ حزب کمونیستی از پوتین و کرملین حمایت نمی‌کند. تصویر مشابهی هم در رابطه با مسایل اقتصادی وجود دارد. کمونیست‌های بلاروس چندگانگی ساختار سیستم اقتصادی را پدیده طبیعی مرحله رشد در حال حاضر می‌دانند. اما در روسیه تنها KPRF چنین سیستم اقتصادی را برای مرحله کنونی قبول دارد. در عرصه ایدئولوژیکی هم مسأله به این سادگی نیست. همه احزاب کمونیست در این دو کشور خود را مارکسیست - لنینیست می‌دانند. اما در به کار بستن آن برای جهت‌گیری برنامه‌ای - استراتژیکی اختلافات اساسی وجود دارد. KPB مرحله کنونی در بلاروس را مرحله رهائی ملی دانسته و بدین خاطر هم سیاست رئیس جمهور لوکاشنکو را مورد حمایت قرار می‌دهد. در روسیه فقط KPRF از مبارزه رهائی‌بخش ملی و وظیفه پیوند زدن جنبش طبقاتی اجتماعی و جنبش رهائی ملی در یک جنبش مقاومت توده‌ای متحد صحبت می‌کند. دیگر احزاب کمونیست فعالیت خود را تنها بر روی جنبش مقاومت اجتماعی متمرکز کرده‌اند. کدام جهت‌گیری را می‌بایستی که برای حزب مشترک مقدم شمرده شود؟ تروشکوف اشاره می‌کند که، بدون روشن شدن این مسایل نمی‌توان برنامه یک حزب مشترک را تهیه دید. برای ناظران خارجی این سؤال مطرح است که، چگونه هنگامی که اتحاد احزاب کمونیست موجود در هر دو کشور ظاهراً دست نیافتنی به نظر می‌رسد می‌توان در زندگی واقعی سیاسی حزب مشترکی را برای دو کشور به وجود آورد؟ آیا اشتقاق هم چنان ادامه خواهد داشت؟ منبع: ارگان حزب کمونیست آلمان (KPB)

کمونیست موجود است. در اطلاعیه هیئت رهبری KPRF می‌خوانیم که «این واقعیت که ایده اتحاد بین خلق‌های روسیه و بلاروس بهانه‌ای برای حمله به حزب ما از طرف شین و دیگر اعضای اتحادیه احزاب کمونیست اتحاد شوروی گردیده مایه تعجب ماست. ما با دخالت در امور داخلی حزب‌مان و فراخوان برای ترک آن نمی‌توانیم موافق باشیم. با توجه به شرایط موجود ضروری می‌دانیم تا این تصمیم را مورد بازبینی قرار داده و کنگره تأسیس را بدون رایزنی با رهبران دیگر احزاب فعال در روسیه و بلاروس و بدون کار همه جانبه بر روی مسایل تشکیلاتی و حقوقی که در ارتباط با ایجاد حزب مشترک برای دو کشور متحد می‌باشد، تشکیل ندهیم. حزب ما با آن که خواهان اتحاد کمونیست‌های روسیه و بلاروس می‌باشد اما مخالف هر گونه شتابزدگی است». KPRF معتقد است که شرایط لازم برای ایجاد چنین حزبی در حال حاضر وجود ندارد. در این رابطه ویکتور تروشکوف دلایل مهمی را در پروادا روسیا (۱۴ - ۲۰ ژوئن) اعلام نمود. علاوه بر آن که تشکیل یک اتحادیه بین دو کشور فعلاً بر روی کاغذ است و اقدامات عملی در این راستا صورت نگرفته، لازم است تا کمونیست‌های دو کشور حداقل به مواضع تقریباً مشابهی در رابطه با روابطشان با قدرت حاکم، با سیستم اقتصادی موجود و در مسایل ایدئولوژی دست یابند.

گزارش نمود تضعیف حزب کمونیست است. زمانی که برای حملات شدید علیه KPRF انتخاب شده اتفاقی نیست. پس از مشخص شدن میزان آرا کمونیست‌ها در انتخابات دوما (پارلمان روسیه) و ریاست جمهوری که برخلاف انتظار پایین بوده، آشننگی فکری دامنگیر چپ و بخشی از کمونیست‌ها گردیده است. مشکلی که معمولاً به هنگام شکست و یا عدم موفقیت پیش می‌آید و چیز تازه‌ای نیست. برای پشت سر گذاشتن چنین وضعیتی می‌بایستی که کم‌کاری‌ها و اشتباهات مورد نقد و بررسی قرار گیرند. از این جهت انتقاد از KPRF و رهبری آن زیگانه لازم است. چنین انتقادی هم در پلنوم ماه مه کمیته مرکزی این حزب صورت گرفت. البته حق انتقاد شامل حال سایر کمونیست‌هایی که عضو این حزب نمی‌باشند نیز می‌گردد، اما نمی‌تواند دلیلی برای فراخواندن انشعاب در این حزب باشد. درگیری مابین کمونیست‌ها غیرقابل فهم و نامفهوم است. فعالیت‌های اتحادیه احزاب کمونیست اتحاد شوروی در گذشته موجب همکاری‌های عملی کمونیست‌ها از احزاب مختلف گردید و روابط بین این تشکل و KPRF بسیار سازنده و رفیقانه بود. هم‌چنین ایده تشکیل حزب کمونیست مشترک بین روسیه و بلاروس با توجه به مصوبه دوما برای ایجاد یک اتحادیه بین این دو کشور، ایده درست و ضروری است. انتقاد KPRF در درجه اول متوجه شتابزدگی و ناهماهنگی با سایر احزاب

کمونیست‌های متشکل روسیه عضو این حزب می‌باشند (پروادا روسیا، ۱۴ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۰). جریان‌هایی از قبیل «کمیته هماهنگی»، «کمیته سازماندهی»، «گروه ابتکار» و غیره برای تشکیل احزاب کمونیست جدید و «اتحاد جنبش کمونیستی» اعلام موجودیت کرده‌اند. اما این پروژه عملاً طور دیگری پیش می‌رود. پلنوم فوریه RKRP احزاب کمونیست را قرا خواند تا حزب کمونیست متحدی را ایجاد کنند. ویکتور تیولکین رهبر این حزب در مصاحبه‌ای با تروودویا روسیا حزب خود را مستثنی می‌سازد. کمیته سازماندهی برای ایجاد «حزب کمونیست فدراسیون روسیه (لنینی)» در ۱۸ آوریل اعلام نمود که وقت آن رسیده است تا کمونیست‌ها را برای انشعاب از KPRF فرا خوانیم» (نشریه کمونیست، مه - ژوئن ۲۰۰۰). اوایل سال جاری اتحادیه احزاب کمونیست اتحاد شوروی با این ایده ایجاد گردید تا حزب کمونیست مشترک روسیه و بلاروس را به وجود آورد. رهبری این حزب اولگ شین در مصاحبه‌ای این قصد خود را با انتقادات شدیدی علیه KPRF و رهبری آن اعلام نمود (کمونیست، ژوئیه - اوت ۲۰۰۰). حملات علیه KPRF نه تنها از طرف چپ رادیکال بلکه از طرف «چپ میانه» هم که در چارچوب جنبشی به نام «روسیا» خواستار ایجاد جبهه انتخاباتی برای همکاری با پوتین و حکومت او می‌باشد نیز صورت می‌گیرد. هدف این جنبش در واقع آنگونه که مجله اشپگل (۳۰

از قرار معلوم ظاهر آ بیماری لاعلاج انشقاق در جنبش چپ، بیماری کشور خاصی نیست. این عارضه را می‌توان در سایر کشورها نیز مشاهده نمود و متأسفانه روسیه هم پس از فروپاشی شوروی به این بیماری مبتلا گردیده است. ایوان اوستاچی در بررسی خود در سال ۱۹۹۸ نتیجه گرفت که «پلورالیسم حزبی موجود در جنبش کمونیستی فعلی روسیه بزرگترین ضرر و زیان را متوجه جنبش کارگری روسیه نموده است. بسدین خاطر پیوند و ایجاد خودآگاهی و سازماندهی توده‌های کارورزان برای مبارزه علیه رژیم ارتجاعی، برای حاکمیت زحمتکشان و نوزایش سوسیالیستی در کشورمان با مشکل مواجه گردیده است. تعداد هر چه بیشتری از انسان‌ها به این نتیجه می‌رسند که مانع اصلی برای رسیدن به اتحاد حزب کمونیست تمایلات رهبران حزبی است که می‌خواهند تا «رئیس قبیله خود» باقی بمانند حتی اگر چه که این قبیله خیلی کم کوچک باشد» (دیالوگ، مسکو، شماره ۴ - ۱۹۹۸). برای نشان دادن میزان پیشرفت این بیماری کافی است تا نگاهی به نشریه کمونیست (شماره ۴، ژوئیه - اوت ۲۰۰۰) بیندازیم. در آنجا در «اطلاعیه کمیته هماهنگی پلاتفرم مارکسیستی - لنینیست استالینیستی در جنبش کمونیستی» می‌خوانیم که، در آوریل امسال ۲۶ حزبی که خود را کمونیست می‌نامند، در روسیه فعالیت دارند. با توجه به این که مشکل بتوان اکثر آنها را به عنوان حزب به رسمیت شناخت، چرا که تعداد اعضای‌شان قلیل بوده و توان فعالیت گسترده در کشور را ندارند، اما تعدادشان نشان‌دهنده شکاف عمیق درون جنبش است. در وزارت دادگستری فدراسیون روسیه تنها حزب کمونیست کارگری روسیه (RKRP) و حزب کمونیست فدراسیون روسیه (KPRF) به ثبت رسیده‌اند. بر اساس گفته ویکتور تروشکوف عضو کمیته مرکزی KPRF، ۸۵ تا ۹۰ درصد